

سخنرانی نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در واکنش به قطعنامه<sup>۱</sup> ۱۶۹۶  
(۹ مرداد ۱۳۸۵)

در نامه مورخ ۶ مرداد ۱۳۸۵ خود به جنابعالی، از شما درخواست کرده بودم که اجازه داده شود قبل از رأی‌گیری صحبت نمایم تا شورا برای اولین بار از نظرات کشور ذیربطر قبل از تصمیم‌گیری مطلع شود. به خاطر دارید که درخواست قبلی من برای صحبت در شورا به هنگام تصویب بیانیه رئیس مورخ ۹ فروردین نیز مورد قبول قرار نگرفته بود. به واقع، این نشانه میزان شفافیت و انصاف است که شورای امنیت تاکنون یک بیانیه رئیس و یک قطعنامه در مورد یک کشور صادر کرده است، بدون آن که حتی اجازه صحبت به آن کشور در شورا داده شود. به هر حال، صحبتی را که قبل از رأی‌گیری تهیه شده بود، ظاهرا فقط برای ثبت در اسناد، ارائه خواهم داد. اما پیش از آن، مایل مراتب قدردانی عمیق خود را به کشور همسایه، قطر، به خاطر رأی منفی اش به قطعنامه که مبنی بر موضع اصولی آن کشور و نیز نگرانی آن‌ها برای ثبات در منطقه می‌باشد، ابراز دارم.

این نخستین باری نیست که تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای اتکاء به توانایی‌های خویش و پیشرفت در حوزه فن‌آوری با مقاومت شدید و فشارهای هماهنگ برخی از اعضای دائمی شورای امنیت مواجه می‌شود. در واقع، ایران معاصر همواره در معرض بی‌عدالتی‌ها و برخوردهای مغرضانه متعددی از سوی این قدرت‌ها قرار داشته است. مبارزه مردم ایران برای ملی‌کردن صنعت نفت در پیش‌نویس قطعنامه‌ای که توسط انگلیس و با پشتیبانی آمریکا و فرانسه در ۱۲ اکتبر ۱۹۵۱ در دستورکار شورای امنیت قرار گرفت، به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی مطرح شد. طرح چنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای در شورای امنیت، پیش‌درآمد سازماندهی کودتا‌ی توسعه انجلیس و آمریکا در تلاشی به مراتب آشکارتر برای دستیابی به همان منافع کوتاه‌بینانه‌شان بود. این کودتا که دیگر نمی‌توانستند آن را در پوشش زبان منشور ملل متحد و یا توجیهات دیپلماتیک پنهان کنند، حکومت سرکوب‌گر خودکامه را به قدرت بازگرداند. با این حال، مردم ایران در تلاش خود برای

<sup>۱</sup> این سند از این منبع گرفته شده است: پرونده هسته ای به روایت اسناد، کاظم غریب آبادی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، بهار ۱۳۸۶.

ملی کردن صنعت نفت توفیق یافتند و از این طریق، پیشگام جنبش شجاعانه‌ای در جهان در حال توسعه شدند که خواستار دستیابی به حق لاینفک خود برای اعمال حاکمیت بر منابع ملی خویش بود. در گذشته نزدیکتری، تجاوز صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پیشرفت سریع آن در اشغال سه هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران، آنقدر موجب نگرانی همین اعضای دائم نشد که آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کنند یا حتی یک درخواست معمولی برای آتش بس و عقبنشینی به عمل آورند. نمی‌دانم آیا می‌شود با توجه به حادث روزهای اخیر گفت که این یک درخواست معمولی است. حتی آن‌ها لازم ندیدند که تا هفت روز سخت پس از تجاوز صدام قطعنامه‌ای در مورد آن صادر کنند، با این امید که محاسبه به شدت نادرست آن‌ها مبنی بر این که صدام حسین می‌تواند در ظرف یک هفته به جمهوری اسلامی خاتمه دهد، تحقق یابد. آیا چنین نحوه برخوردي، در این روزها آشنا به چشم نمی‌آيد؟! همچنین، آن‌ها تا دو سال ضرورتی برای درخواست عقبنشینی نیروهای اشغال‌گر ندیدند، اولین قطعنامه شورای امنیت مبنی بر درخواست عقبنشینی در ژوئیه ۱۹۸۲ صادر شد، پس از آن‌که مردم ایران پیش از این به‌نهایی و به‌رغم همه مشکلات، سرزمین خویش را از اشغال متدازن آزاد کردند. این شورا، همچنین برای سالیان متمامی و علی‌رغم انبوه شواهد و مدارک و گزارش‌های سازمان ملل متحد اجازه نیافت تا اقدامی در مورد به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط دیکتاتور عراق علیه نظامیان و حتی غیرنظامیان ایرانی انجام دهد، چرا که به‌گفته یک مسئول سابق اطلاعات نظامی آمریکا، پنتاگون چندان نگران استفاده عراق از سلاح شیمیایی نبود. این تنها روش دیگری برای کشتن مردم بود. تنها روش دیگری! امروز و حدود بیست سال پس از آن، دهها هزار ایرانی در اثر آن "تنها روش دیگر" رنج می‌برند و به شهادت می‌رسند.

طی همین چند هفته اخیر، شورای امنیت از انجام هر اقدامی جهت متوقف کردن تجاوز گسترده‌رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین و لبنان و بحران انسانی وحشتناک ناشی از آن، منع شده‌است. عبارات دیپلماتیک، ناتوان از توصیف شیوه‌ای است که جنایت قتل عام در قانا در جلسه روز گذشته شورای امنیت مورد توجه قرار گرفت. همچنین، علی‌رغم عادت سیری‌ناپذیر این رژیم متدازن به انجام تجاوز و کشtar، امکان هر اقدامی هرچند کوچک نیز از این شورا برای پرداختن به زرادخانه هسته‌ای چنین رژیمی سلب شده‌است.

علاوه بر آن، شورای امنیت از هرگونه عکس العمل در مقابل تهدیدهای روزانه توسل به زور عليه ایران و حتی تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای که در بالاترین سطح توسط آمریکا، انگلیس و رژیم قانون‌شکن صهیونیستی مطرح می‌شود منع شده‌است، تهدیداتی که خود نقض صریح بند ۴ از ماده ۲ منشور ملل متحد بهشمار می‌رود.

از سوی دیگر، طی چند سال اخیر، چند قدرت بزرگ از هیچ تلاشی برای استفاده از تهدید به توسل به شورای امنیت یا تبدیل آن به ابزاری برای بازداشت ایران از اعمال حق لاینفکاش در زمینه فن‌آوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز که به صراحت در معاهده منع اشاعه سلاح‌های اتمی به‌رسمیت شناخته شده، فروگذار نکرده‌اند. قصد آمریکا مبنی بر استفاده از شورا تنها به عنوان ابزاری برای نیل به این مقصد و حتی برخی مقاصد خطرناک‌تر دیگر، به‌نحوی صریح از سوی نماینده دائم این کشور در سازمان ملل در جریان یک سخنرانی در نشست کمیته امور عمومی آمریکا- اسرائیل در ۵ مارس گذشته ابراز شد. وی، در این رابطه گفت: حیاتی است که ما از شورا برای کمک به بسیج افکار عمومی بین‌المللی استفاده کنیم، اما اطمینان داشته باشید که ما به شورای امنیت به عنوان تنها ابزار در جعبه ابزارمان برخورد با این مسئله تکیه نمی‌کنیم.

مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران مصمم به اعمال حق لاینفک خود در زمینه فن‌آوری هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز و توسعه دستاوردهای خویش در جنبه‌های مختلف مسالمت‌آمیز این فن‌آوری هستند. در عین حال، ایران به عنوان تنها قربانی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در تاریخ معاصر، تولید و استفاده از این سلاح‌های غیر انسانی را هم از نظر عقیدتی و هم از حیث راهبردی مردود می‌داند. رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران یک حکم مذهبی قاطع علیه تولید، نگهداری و کاربرد سلاح هسته‌ای صادر کرده‌اند. ایران، همچنین همواره به روشنی تأکید کرده‌است که سلاح‌های هسته‌ای جایی در دکترین نظامی‌اش ندارد. ریاست جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود در مجمع عمومی ملل متحد در شهریور گذشته، مردود بودن حرکت به سمت تسليحات هسته‌ای براساس مبانی دینی و ضرورت احیای معاهده عدم اشاعه را مورد تأکید قرار دادند و خاطرنشان ساختند که ادامه تعامل و مراوده دقیق فنی و حقوقی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، محور سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

جهت زدودن هرنوع ابهام، جمهوری اسلامی ایران اجازه داد تا آژانس اقدام به انجام مجموعه بازرگانی کند که می‌توان آن را قوی‌ترین بازرگانی که تاکنون از سوی آژانس در یک کشور عضو انجام شده، دانست. این بازرگانی‌ها، شامل ۲۰۰۰ نفر روز بازرگانی در طول سه‌سال گذشته، امضای پروتکل الحقیقی در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ و اجرای بلاfacle آن تا ۶ فوریه ۲۰۰۶، ارایه بیش از ۱۰۰۰ صفحه اظهارنامه براساس پروتکل الحقیقی، اعطای مجوز برای انجام ۵۳ مورد دسترسی تکمیلی به محل‌های متفاوت در سراسر کشور و دادن امکان به بازرسان برای تحقیق در مورد اتهامات بی‌اساس از طریق دسترسی بی‌سابقه به برخی مراکز نظامی می‌شود. در نتیجه، تمام گزارش‌های آژانس از نوامبر ۲۰۰۳ حاکی از ماهیت صحیح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران بوده است. در نوامبر ۲۰۰۳، یعنی همزمان با انتشار گزارش‌های جنجالی رسانه‌ای در مورد آن‌چه که ۱۸ سال مخفی‌کاری ایران خوانده می‌شد، آژانس تأیید کرد که تا این تاریخ، نشانه‌ای حاکی از این‌که مواد و فعالیت‌های هسته‌ای قبل از ظهارنشده ایران ارتباطی به یک برنامه هسته‌ای تسلیحاتی داشته باشد، به‌دست نیامده است. همه ما به یاد می‌آوریم که معاون وقت وزیر خارجه آمریکا چگونه به این نتیجه‌گیری واکنش نشان داد. نتیجه‌گیری‌های مشابهی نیز در گزارش‌های آژانس تا همین اواخر می‌توان یافت. از جمله، در گزارش آژانس در فوریه ۲۰۰۶ تصریح شده که همان طور که در نوامبر ۲۰۰۴ و مجدداً در سپتامبر ۲۰۰۵ به شورای حکام گفته شد، کلیه مواد اظهارشده در ایران مورد حسابرسی قرار گرفته است. در بند ۵۳ همین گزارش، بار دیگر تأکید شده که آژانس هیچ موردی که حاکی از انحراف مواد هسته‌ای به‌سوی سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر وسائل انفجاری هسته‌ای باشد، مشاهده نکرده است. جنجال زیادی، از جمله در قطعنامه پیشنهادی امروز، در مورد مطلب مطرحه از سوی آژانس راجع به این‌که آژانس اظهارنشده‌ای در ایران وجود ندارد، ایجاد شده است. اما، بانیان قطعنامه اذعان مکرر مدیرکل آژانس را مبنی بر این‌که روند نیل به چنین نتیجه‌ای، روندی وقت‌گیر است، به راحتی نادیده می‌گیرند. آن‌ها همچنین الحقیقی گزارش اجرای پادمان‌ها، مورخ ژوئن ۲۰۰۶ را که حکایت از قرار داشتن ۴۵ کشور دیگر، از جمله ۱۴ کشور اروپایی و چند کشور عضو این شورا در وضعیتی مشابه ایران دارد، نادیده می‌گیرند. باید اضافه کنم که از

سه کشور بانی قطعنامه امروز، دو کشور آشکارا با برخورداری از امتیاز ویژه خود مصون از هر تحقیق و بازرگانی هستند و کشور سوم، در این دسته‌بندی در کنار ایران قرار دارد.

برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران هیچ تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی نیست و درنتیجه، مطرح شدن این موضوع در شورای امنیت خالی از وجه و عاری از هرگونه مبنای حقوقی و یا فایده عملی است. طرح این موضوع در شورا برخلاف آن چه تبلیغ می‌شود، انعکاس نگرانی‌های بین‌المللی نیست. بلکه به عکس، نحوه برخورد بانیان قطعنامه به معنی نادیده گرفتن موضع اعلام شده اکثریت قاطع جامعه بین‌المللی است که به وضوح در بیانیه‌های اخیر وزرای خارجہ کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی و بعض‌ا در نتیجه‌گیری‌های رئیس شورای حکام آژانس در ژوئن ۲۰۰۶ انعکاس یافته‌است. سازمان کنفرانس اسلامی با ۵۷ عضو، در آخرین نشست خود در سطح وزراء در باکو، بر اعتقاد راسخ خود مبنی بر این‌که تنها راه حل موضع هسته‌ای ایران، بازگشت بدون پیش‌شرط به مذاکرات است، تأکید نمود. همچنین، از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای حل مسالمت‌آمیز کلیه موضوعات باقی‌مانده استقبال کرد، تأیید کرد که هرگونه تلاشی با هدف محدود کردن استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بر توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه تأثیر خواهد داشت، هرگونه تبعیض و برخورد دوگانه در ارتباط با استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را رد کرد و نسبت به هرگونه عواقب ناخواسته حاصل از تهدیدها و فشارها بر ایران توسط برخی محافل برای صلح و امنیت منطقه و خارج از آن، با هدف واداشتن آن کشور به صرف‌نظر کردن از حق لاینکاش در زمینه توسعه انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز ابراز نگرانی کرد. جنبش عدم تعهد که در برگیرنده اکثریت قاطع اعضای سازمان ملل است، در بیانیه وزرايش در پوتراجایی مالزی تأکید کرد که فعالیت‌های آژانس، خصوصاً روند راستی‌آزمایی در آن، نباید هدف فشارها یا دخالت‌های نابجا که می‌تواند کارآیی و اعتبار آژانس را خدشه‌دار کند، قرار گیرد. در این بیانیه تصريح شد که هیچ چیزی نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع یا محدود‌کننده حق کشورها جهت توسعه انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز باشد. در بیانیه مذبور همچنین تأکید شده‌است که انتخاب‌های کشورها و تصمیمات آن‌ها در حوزه استفاده‌های صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای و سیاست‌های مربوط به چرخه سوخت باید مورد احترام قرار گیرد.

اما، سه کشور اروپائی، با ادعای نمایندگی از سوی همین جامعه بین‌المللی، در بسته

به اصطلاح مشوق‌های خود در اوت گذشته از ایران خواستند که تعهدی الزام‌آور برای عدم پیگیری فعالیت‌های چرخه سوخت تقبل نماید. مرور اجمالی سیر وقایع از اوت گذشته تاکنون روش می‌کند که رد آن خواسته غیرقانونی و نابجا توسط جمهوری اسلامی ایران، تنها دلیل تحمیل قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایی به شورای حکام و شورای امنیت بوده و هست.

اقدام پیشنهادی امروز شورای امنیت که تجلی همان تلاش‌ها به منظور الزام‌آور کردن تعلیق غنی‌سازی اورانیوم می‌باشد، ناقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قطعنامه‌های شورای حکام آژانس است. این اقدام، همچنین در تضاد با نظرات اکثر اعضای سازمان ملل که شورای امنیت ملزم به نمایندگی آن‌هاست، می‌باشد. شورای حکام آژانس، طی قطعنامه‌ای در نوامبر ۲۰۰۴ که توسط همین سه‌کشور اروپائی تدوین شده بود، اعلام کرد که تعلیق یک اقدام داوطلبانه، از نظر حقوقی غیر الزام‌آور و معطوف به ایجاد اعتماد است. این موضع، در نتیجه‌گیری‌های رئیس شورای حکام آژانس مورخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ نیز تکرار شده‌است. جنبش عدم تعهد، در بیانیه اخیر وزراء که قبل از آن اشاره شد، تأکید کرد که تمایزی بنیادین بین تعهدات حقوقی کشورها در برابر موافقت‌نامه‌های پادمانی‌اشان و هرگونه اقدامی که به‌طور داوطلبانه و با هدف ایجاد اعتماد برای حل مسائل دشوار انجام می‌شود، وجود دارد. جنبش، در این بیانیه ابراز عقیده کرده که این تعهدات داوطلبانه، تعهدات حقوقی پادمانی محسوب نمی‌شوند.

همان‌طور که در قطعنامه پیشنهادی هم ذکر شده، شورای امنیت تنها به این دلیل برای دست‌زنی به اقدام تحت فشار قرار گرفت که ایران بعد از بیش از دوسال مذاکره تصمیم گرفت تا از طریق بازگشایی بخشی از تأسیساتش که کاملاً تحت پادمان قرار دارد و خاتمه دادن به تعلیق داوطلبانه، نسبت به اعمال مجدد حق لاینفکاش در حوزه فن‌آوری هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز اقدام کند. حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم در پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مورد شناسایی قرار گرفته است و رعایت حقوق اعضاي معاهدات بین‌المللی به همان اندازه ضروری است که حصول اطمینان از احترام به تعهداتشان. دوام این‌گونه معاهدات بین‌المللی، از جمله پیمان عدم اشاعه، تنها از طریق برقراری توازن بین حقوق و تکالیف ممکن است. تهدید، موجب دوام پیمان عدم اشاعه یا دیگر معاهدات بین‌المللی نخواهد شد. این مهم، تنها از این طریق حاصل می‌شود که کشورهای عضو این معاهدات بتوانند از منافع قانونی عضویت در این معاهدات بهره‌مند

شوند و کشورهایی که از عضویت در این معاهدات روی بر تافته اند، به خاطر سرسختی شان پاداش نگیرند.

این در حالی است که در حال حاضر دقیقاً عکس این قاعده مبنای کار قرار دارد. امروزه ما شاهد یک روند بهشدت خطرناک هستیم، در حالی که حقوق اعضای پیمان عدم اشاعه انکار می‌شود و آن‌ها مورد مجازات قرار می‌گیرند، آنان که این پیمان را به چالش می‌کشند، به‌ویژه عاملان جنایات اخیر در لبنان و فلسطین، از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های هسته‌ای سخاوتمندانه پاداش می‌گیرند. کار تا به آنجا پیش‌رفته که وقتی منافع آمریکا ایجاب می‌کند، حتی به قول سفیر آمریکا در سازمان ملل، دستیابی به سلاح هسته‌ای برای کشورهای غیر عضو پیمان عدم اشاعه نیز مشروع می‌شود. این هم راهی عجیب برای تقویت پیمان عدم اشاعه یا کسب اطمینان از جهان شمول شدن آن است!

این رویه، چنان شکل وحشتناک و در واقع مضحكی به‌خود گرفته که رژیم صهیونیستی که عضو پیمان عدم اشاعه نیست و زرادخانه هسته‌ای همراه با رفتارها و سیاست‌های سرکوب‌گرانه و مبتنی بر توسعه‌طلبی و ترور دولتی‌اش کراوا به عنوان جدی‌ترین تهدید علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی شناخته شده، آن‌چنان گستاخ می‌شود که خود را در رابطه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مقام مدعی قرار می‌دهد و سردمدار حرکتی بر محور تهدید، دروغ، فریب، فشار و باج‌خواهی می‌شود. به هر حال، علی‌رغم این تلاش‌های گسترده سیاسی و تبلیغاتی، این منطق در جهان امروز پذیرفته نیست که سلاح هسته‌ای برای برخی آری و انرژی هسته‌ای برای دیگران نه.

روند تخریبی دیگر، تلاشی خودسرانه برای تحمیل برخی حد و مرزهای ساختگی است که غالباً ریشه در ملاحظات مرتبط با روابط دوجانبه دارد و از معیارهای عینی و فنی به‌دور است. در این رابطه، جالب است یادآوری شود که آمریکا فشارهای خود را با تلاش برای محروم کردن ایران از هرنوع فعالیت هسته‌ای آغاز کرد. حتی تا همین اواخر ۳۱ (ژانویه ۲۰۰۳)، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا چنین گفت: ما همواره از روسیه خواسته‌ایم که کلیه همکاری‌هایش با ایران، از جمله مشارکتش در ساخت راکتور آب سبک در بوشهر را متوقف کند. حد و مرز ساختگی جدید در مورد غنی‌سازی، به همان اندازه خودسرانه است که حد و مرزهای ساختگی قبلی بود و تنها بهانه‌ای دیگر برای شروع روندی جهت جلوگیری از تحقق حقوق اعضای پیمان عدم اشاعه در زمینه استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی

هسته‌ای است. این درحالی است که کشورهایی که عضو این پیمان نیستند، می‌توانند به صورتی که آمریکا آن را مشروع توصیف می‌کند، به ساخت بمب اتمی ادامه دهند! چنین استدلال شده که مداخله شورای امنیت برای حصول اطمینان از همکاری ایران با آژانس و برگرداندن ایران به میز مذاکره ضروری است. من به شما می‌گویم که برای تحقق این اهداف، نیازی به مداخله شورای امنیت نیست. در واقع، درگیرشدن شورای امنیت بیش از آن که به این روند کمک کند، در راه آن مانع ایجاد می‌کند، چرا که برای اعمال فشار طراحی شده است.

همان‌طور که قبلاً خاطرنشان ساختم، قبل از آن که دخالت شورای امنیت به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحمیل شود، همکاری ایران با آژانس بسیار گستردہ‌تر و جامع‌تر بود. این همکاری به آژانس امکان داد تا در سپتامبر گذشته نتیجه‌گیری کند که پیشرفت خوبی در توانایی آژانس در تأیید بعضی جنبه‌های اظهارنامه‌های کنونی ایران که از این پس به صورت یک موضوع معمولی اجرای پادمان پیگیری خواهد شد، صورت گرفته است. در ارتباط با بازگشت به میز مذاکره، گفتنی است که ایران همواره برای مذاکره آماده بوده است. طی تقریباً سه‌سال، ایران کوشید تا مذاکرات با سه‌کشور اروپایی را تداوم بخشیده و حتی در مواردی اقدام به احیای مذاکرات کند. ایران جهت رفع نگرانی‌ها و گشودن فصلی جدید در همکاری‌ها، پیشنهادهای جامعی در اوت ۲۰۰۴، ژانویه ۲۰۰۵ مارس ۲۰۰۵، آوریل ۲۰۰۵، ژوئیه ۲۰۰۵، سپتامبر ۲۰۰۵، ژانویه ۲۰۰۶، فوریه ۲۰۰۶ و مارس ۲۰۰۶ ارائه کرد. در خلال این دوره، ایران تدبیر گستردہ و شدیداً پرهزینه ای به منظور ایجاد اعتماد جهت حصول اطمینان از موفقیت مذاکرات اتخاذ کرد، که از آن جمله تعليق فعالیت‌های قانونی‌اش در زمینه غنی‌سازی برای مدت دوسال بود. در تمام طول این دوره، اصرار برخی بر سیاست ترسیم خودسرانه خطوط قرمز و بستن درها بر روی هرگونه مصالحه، راه را بر کسب موفقیت بست و در اغلب موارد موجب عقیم‌ماندن پیشنهادها شد. این راهبردی بود که واشنگتن از بدو شروع مذاکرات بین ایران و سه‌کشور اروپایی در اکتبر ۲۰۰۳ مستمراً اعمال کرد و در این فاصله تنها تاکتیک‌ها تغییر کردند. طی این دوره، تهدیدهای مکرر از سوی برخی کشورها به کشاندن این موضوع به شورای امنیت و خارج کردن آن از چارچوب خاص فنی و مذاکراتی آن، سایه‌ای گستردہ بر

مذاکرات افکند، سد راه پیشرفت شد، بحث‌ها را از مسیر خود خارج کرد و مانع تمرکز بر یافتن راه حل مورد قبول شد.

نحوه پیگیری مذاکرات در مورد بسته‌ای که اخیراً پیشنهاد شده، نشانه دیگری از روش مالوف توسل به تهدید از یکسو و فقدان اراده برای رسیدن به راه حلی قابل قبول برای طرفین از دیگر سو می‌باشد. ایران، علناً و با ابراز حسن نیت خود، واکنش مثبتی در مورد این ابتکار نشان داد و آمادگی‌اش را برای ورود به مذاکرات هدفمند، عادلانه، بدون تبعیض و بدون پیش‌شرط در مورد بسته پیشنهادی و در چارچوب یک جدول زمانی مورد قبول طرفین اعلام کرد. با این حال، یک ضرب‌الاجل بی‌پایه بعد از ارایه بسته پیشنهادی مطرح شد، ضرب‌الاجلی عاری از هرگونه توجیه که تنها در خدمت یک هدف سوء‌پنهانی، یعنی استفاده از شرایط برای اعمال حداکثر فشار بر سایر کشورها، بود. گفتنی است که سه‌کشور اروپایی نزدیک به ۵ ماه (از مارس تا اوت ۲۰۰۵) برای بررسی یک پیشنهاد جدی که از سوی ایران در سال گذشته مطرح شده بود، وقت صرف کردند و حتی بعد از آن نیز پاسخی ارائه دادند که به هیچ‌یک از عناصر مندرج در پیشنهاد ایران توجه نکرده بود. از طرفی، در حالی که جمهوری اسلامی ایران به روشنی ابراز کردہ‌است که سه هفته دیگر برای تکمیل ارزیابی‌اش از بسته پیشنهادی و ارایه پاسخی محتوایی ضروری است، تعجب‌آور و در عین حال کاملاً گویاست که سه‌کشور اروپایی و آمریکا برای سد کردن زود هنگام راه مذاکره از طریق تحمیل یک قطعنامه مخرب و کاملاً نابجای شورای امنیت، این چنین شتاب نشان می‌دهند. این شتاب، آن‌گاه شک برانگیزتر می‌شود که اظهارات مکرر مدیرکل آژانس و تعداد زیادی از کارشناسان و حتی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا مبنی بر نبود هرگونه فوریت، مدنظر قرار گیرد. چنین شتابی را با این واقعیت مقایسه کنید که برخی از همین قدرت‌ها، طی سه هفته اخیر، مانع از انجام هرگونه اقدامی توسط شورای امنیت در مورد شرایط اضطراری در لبنان شده و حتی اجازه توقف مخاصمه برای ۷۲ ساعت به دلایل انسان‌دوستانه را نیز نداده‌اند، به‌نحوی که تجاوز‌گران رسماً و علناً چنین رویه‌ای را به عنوان چراغ سبزی برای تداوم کشتارشان تفسیر کرده‌اند که جنایت اخیر در قانا آخرین نمونه آن است. شما خود قضاوت کنید که چنین وضعی چه مقدار اعتبار برای شورای امنیت باقی می‌گذارد. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان پیش از این قضاوت خود را کرده‌اند.

بنابراین، آقای رئیس، جا دارد پرسیده شود که انگیزه برخی از اعضای دائم از حرص همیشگی اشان برای آوردن ایران به شورای امنیت و شتاب کنونی آنها چیست. آیا چیزی جز فشار و زور است؟ من به شما می‌گویم که این روش هیچ نتیجه سازنده‌ای نخواهد داشت و در واقع، تنها می‌تواند موجب وخامت اوضاع شود. مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران خواهان تنفس نبوده و همواره آماده مذاکرات جدی و هدفمند براساس احترام متقابل و حقوق برابر بوده‌اند. لکن بارها و بارها نشان داده‌اند که در برابر فشار، تهدید، بی‌عدالتی و تحمیل، سرسخت و مقاومند.